

جایگاه تمدن نوین اسلامی در این تاریخ

باسمه تعالی

در طلوعی حضور تاریخی هستیم که از یک طرف در افق خود نظر به تمدن اسلامی داریم و در جستجوی مبانی الهیاتی آن باید بود و از طرف دیگر در جهانی باید حاضر بود که در مواجهه با تمدن غربی است و در صدد گشودن راهی هستیم که در عین حضور تمدنی در این تاریخ از هویت قدسی خود، غفلت ننماییم و نیز در جهان خود جایگاه سایر افکار و ادیان و عقاید روشن گردد تا آن‌ها نیز تکلیف خود را با تمدنی که تحت عنوان تمدن نوین اسلامی در پیش است، روشن بدانند. با توجه به چنین نکاتی نظر عزیزان را به موارد زیر جلب می‌نمایم:

۱- اسلام به عنوان یک حقیقت فراتاریخی، مطابق طلب انسان‌ها و آمادگی روحی آن‌ها در هر تاریخی برای آن‌ها به ظهور می‌آید. وقتی بشر روح تمدنی داشته باشد و خود را جهانی احساس کند، جواب آن روح را مطابق آیهی «يَسْئَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ» (الرَّحْمَنُ/۲۹) خواهد داد و خداوند با جلوه‌ی آن اسماء حسنائی که مناسب آن روزگاران است، بشر را تغذیه می‌کند، از آن جهت که در وصف جهانی بودن اسلام فرمود: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا» (سَبَأُ/۲۸) و در دل همین حضور جهانی است که ما را دعوت به ارتباط با حضرت پروردگار در فضای اجتماعی و جمعی می‌کند و می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران/۱۰۳) و ملاحظه دارید که روی «جمیعاً» تأکید شده است تا به تحقق جامعه‌ی دینی توجه شود.

۲- بشر امروز خود را جهانی می‌یابد و به همین اندازه می‌خواهد در جهان حاضر باشد و قرآن نیز او را با چنین حضوری همراهی می‌کند. امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» در پیام استقامت، در همین راستا می‌فرماید: «راستی اگر مسلمانان مسائل خود را به صورت جدی با جهانخواهان حل نکنند و لااقل خود را به مرز قدرت بزرگ جهان نرسانند آسوده خواهند بود؟» زیرا در جهانی حاضر هستیم که قدرت‌های بزرگ با روحیه‌ی تمامیت‌خواهی‌شان همه‌ی ملت‌ها را ذیل تمدن خود می‌خواهند و ضرورت قدرتی بزرگ که همه‌ی مناسبات را با فرهنگ خود تعریف کند، امری است که حکایت از واقع‌بینی و زمان‌شناسی حضرت امام «رضوان الله تعالی علیه» دارد، و گرنه هویت اسلامی جهان اسلام به فراموشی می‌رود.

۳- اگر تمدن، بسط دانش و فکر و فرهنگی است که توان انسجام عقلانی و درونی در حوزه‌های مختلف که مربوط به انسان است را، دارا می‌باشد، می‌توان گفت آنچه امروزه در ایران اسلامی شیعی حاضر در انقلاب اسلامی واقع شده، شرایط تحقق یک تمدن را در خود فراهم کرده و این مشروط بر آن است که از فرآیندی بودن تمدن‌ها در تاریخ غفلت نشود.^۱

۴- تمدنی که در پیش رو خواهیم داشت، مسلم تمدنی است که در مواجهه با تمدن غربی به ظهور می‌آید، تا از طرفی از ضعف‌های آن تمدن مبراً باشد و از طرف دیگر خوبی‌های آن را بسط دهد، و لذا هرگز نباید بحث تقابل تمدن‌ها در میان باشد از آن جهت که هر تمدنی، روحی است تاریخی و خردی است که بشر را در هر دورانی در برمی‌گیرد و از این جهت بین خرد مدرن و فرهنگ غربی باید تفکیک کرد.

^۱ - رهبر معظم انقلاب «حفظه الله» در راستای تحقق آرمان‌های فکری فرهنگی می‌فرماید: «دچار شتاب‌زدگی و بهانه‌گیری هم نباید بشویم. یکی از چیزهایی که واقعاً ماها همه باید به آن توجه بدهیم، این است که یکی از عیوب کار، این بی‌صبوری و شتاب‌زدگی است؛ مرتب آدم پا به زمین بزند که «آقا چرا نشد؟ چرا نشد؟» خب هر چیزی قدری دارد، هر چیزی آجل و آمدی دارد، همه چیز با سرعت انجام نمی‌گیرد.» (۱۳۹۷/۱۲/۲۳)

۵- خرد جدید، خردی است تاریخی و مربوط به جغرافیای خاصی نیست، تقدیری است تا انسان از تک ساحتی قرون وسطا که خدا را در مفاهیم بلند جستجو می کرد، خدا را در همه جا بیابد و طبیعت نیز آینه انکشاف حقیقت باشد و بدین لحاظ از نظر تاریخی خرد جدید می تواند قدمی به جلو باشد.^۲

با توجه به امر فوق بنا بر این است که خرد جدید را بفهمیم که مبتنی بر نظام معرفتی خاص خود می باشد که چندان شبیه و نزدیک به زیست جهان گذشته‌ی ما نیست و به یک معنا در آن خرد جدید نحوه‌ای از جهانی شدن بشر به میان آمده است.

۶- رهبر معظم انقلاب «حفظه الله» در توصیف حضرت امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» نسبت به مواجهه‌ی ایشان با خرد مدرن می فرماید: «یک نمونه‌ی دیگر از این تحوّل - در حضرت امام- در نگاه به دین و مسائل دینی، پافشاری بر تعبد بود، در عین نگاه نوگرایانه به مسائل؛ یعنی امام، یک فقیه نوگرا، یک روحانی نوگرا بود؛ به مسائل با چشم نوگرایانه نگاه می کرد؛ در عین حال به شدت پابند به تعبد.» (۹۹/۳/۱۴)

۷- انقلاب اسلامی به عنوان یک موجود زنده مانند خود اسلام، مراحلی دارد، مثل آن که در قرآن داریم: «الْيَوْمَ أَحْلَلْ لَكُمْ الطَّيِّبَاتِ وَ طَعَامَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلًّا لَكُمْ وَ طَعَامِكُمْ حِلًّا لَهُمْ وَ الْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ» (مائده/۵) و این بدان معناست که وقتی شرایط، تاریخی تغییر کند نحوه‌ی حضور اسلام بین ملل و جوامع نیز تغییر می کند در آن حدّ که تا دیروز ازدواج با زنان اهل کتاب را ممنوع کرده بود و امروز ازدواج با آنها را بدون آن که لازم باشد مسلمان شوند، اجازه می دهد. زیرا سطره‌ی فرهنگی اسلام پس از یازده سال آن چنان قدرتمند شده است که نه تنها هضم فرهنگ یهود و نصارا نمی شود، بلکه آنها را در خود هضم می کند بدون آن که نیاز باشد آنها دین خود را تغییر دهند.

۸- رهبر معظم انقلاب «حفظه الله» در پیام خود به امام جمعه‌ی هرمزگان می فرماید: «... تقویت جریان انقلابی و جوانان مؤمن و روی گشاده و دست مهربان با عموم طبقات، توصیه‌ی مؤکد اینجانب است.» (۲۶ تیرماه ۹۸). ملاحظه می فرمایید که انقلاب در شرایطی قرار دارد که علاوه بر نظر به جریان انقلابی و جوانان مؤمن، به عموم مردم که جدای از جریان انقلابی و جوانان مؤمن هستند، رویی گشاده و دست مهربانانه دراز می کند تا آنها را در برگیرد، زیرا بحمدالله در شرایط تاریخی گشوده‌ای حاضر شده است تا بقیه را نیز از آن خود کند.

۹- خرد جدید با نظر به جهانی شدن انسان، به یک معنا هجرت از اخلاق فردی به اخلاق اجتماعی است و دغدغه‌ی اصلاح اجتماع را به جای تأکید بر اصلاح فرد به میان می آورد و ما با انقلاب اسلامی و تأکید بر ساختن اجتماع دینی با دغدغه‌های خاصی روبه‌رو هستیم، شبیه دغدغه‌های هگل و هایدگر در ساختن اجتماعی که در عین مدرن بودن، مذهبی باشد. هگل با روبه‌رو شدن با تاریخ و خرد مدرن سعی دارد با مدّ نظر قراردادادن خرد مدرن، راه کارهای حفظ هویت دینی را پایه‌ریزی کند و در این رابطه قانون را به جای اخلاق می گذارد، با این رویکرد که انسان مدرن با رعایت قانون احساس کند کاری اخلاقی انجام می دهد.

۱۰- تنگ نظری در هر جایی باشد، به خصوص در جریان مذهبی‌ها، ریشه در متوقف شدن آنها در مفاهیم دینی دارد و برعکس، انسان‌ها با نظر به حقایق قدسی سعه‌ی صدر پیدا می کنند. رهبر معظم انقلاب «حفظه الله» در خاطرات خود می فرماید:

«یکی از کمونیست‌ها را به سلول ما آوردند، در حالی که بنده در حال نماز بودم چون لباس سفیدی را به صورت عمامه به سر داشتم و به جای عبا یک پتو به دوشم بود، هر کس مرا در تاریکی سلول می دید تصور می کرد من لباس روحانی به تن دارم. همین که آن فرد با بنده روبه‌رو شد چهره‌اش در هم رفت و غمگین و افسرده به گوشه‌ی سلول خزید. من به او نزدیک شدم و کوشیدم با او نیز مانند سایر زندانیان جدیدالورود رفتار کنم و افسردگی‌اش را بزدايم. به او گفتم: شما گرسنه‌اید یا تشنه؟ اما اخم از چهره‌اش کنار نرفت، با دست به مالش دادن شانه‌ها و سر و گردنش پرداختم، سعی کرد از پاسخ دادن به هر

^۲- در این مورد خوب است به مقاله‌ی «پرسش از تکنولوژی» از آقای مارتین هایدگر رجوع شود.

سؤالی خودداری کند. من عادت داشتم مقداری از غذای افطار را نگه دارم، به او نان و قدری مربا دادم، حاضر نشد بخورد. بالاخره به زور به او غذا خوراند و آب نوشاندم چون می دانستم پس از دستگیری اش غذایی نخورده و چه بسا کتک هم خورده باشد. قدری چهره اش باز شد. جهت مراعات او نماز عشاء خود را به تأخیر انداختم. صحبت با او را ادامه دادم. چون گمان می کرد من می خواهم او را به صفوف اسلام گرایان جذب کنم، سرش را بلند کرد و با لحنی خشک گفت: اجازه دهید اعتراف کنم من به هیچ دینی عقیده ندارم. فهمیدم که چه در ذهنش گذشته، دنبال جمله ای مناسب ذهنیت و منطق و شرایط او می گشتم. سوکارنو رئیس جمهور اندونزی در کنفرانس باندونگ گفت: ملاک اتحاد ملت های عقب مانده، نه وحدت دینی و نه وحدت تاریخی و فرهنگی و امثال آن، بلکه وحدت نیاز است. مسائل، یکی است و سرنوشت، نامعلوم، و دین نباید میان من و شما جدایی بیندازد. انتظار این پاسخ را از من نداشت. دیدم تغییر در چهره اش آشکار شد، خیلی هم باز شد و با ما گرم گرفت. بعد به او گفتم: شما استراحت کن و ما نماز می خوانیم.^۳ ما در ادامه ی انقلاب و حضور تاریخی خود در این زمانه نیاز به چنین سعه صدری داریم تا بدون آن که بخواهیم جهان را مسلمان کنیم، جهان از آن ما باشد. مثل مردم غزه که در موردشان گفته اند شیعیانی اند که دست بسته نماز می خوانند، زیرا عقل و قلب شان شیعه است.

۱۱- نظر به اسمای الهی و مظاهر آن و عبور از مفاهیم، عاملی است تا انسان با حقایق اسماء در آینه ی مخلوقات روبه رو شود. قرآن در آیات ۳۶ و ۳۷ سوره ی جاثیه می فرماید: «فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَ رَبِّ الْأَرْضِ رَبُّ الْعَالَمِينَ * وَ لَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» این یعنی کمالات الهی که مورد حمد قرار می گیرند و کبریایی او را در همین آینه های مخلوقات که در زمین و آسمان هستند بنگریم و در همین مخلوقات با حقیقت مانوس شویم.

۱۲- قرآن در رابطه با تحمل سایر ملل و سایر افکار، به پیامبر خدا «صلى الله عليه وآله» می فرماید: «قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ» (جاثیه/۱۴) ای پیامبر! به مؤمنین بگو نسبت به آن هایی که امیدی به ایام الله ندارند، اغماض داشته باشد و به آن ها گیر ندهد. و این حکایت از آن دارد با آن هایی که مانند مسلمانان به برزخ و قیامت و یا به ایام الله حاکمیت حق در جهان امیدوار نیستند، باید اغماض نمود.

۱۳- قرآن اهل کتاب را به جای دعوت به اسلام، به توحید دعوت می فرماید و می گوید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا» و در راستای پذیرش حضور متدینین اهل کتاب می فرماید: «لَيْسُوا سَوَاءً مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَ هُمْ يَسْجُدُونَ * يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ أُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ» (آل عمران/۱۱۳ و ۱۱۴). و نیز در سوره ی نساء آیه ی ۱۶۲ می فرماید: «لَكِنَّ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَ الْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ وَ مَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ وَ الْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَ الْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ الْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا».

آیات فوق همه حکایت از آن دارد که اسلام بنا دارد در سعه ی توحیدی با سایر ملل به گفتگو بنشیند.

۱۴- در مورد اهل سنت از امام صادق «عليه السلام» داریم: «إِنَّ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ بَابٌ يَدْخُلُ مِنْهُ النَّبِيُّونَ وَ الصَّادِقُونَ وَ بَابٌ يَدْخُلُ مِنْهُ الشُّهَدَاءُ وَ الصَّالِحُونَ وَ خَمْسَةٌ أَبْوَابٍ يَدْخُلُ مِنْهَا شِيعَتُنَا وَ مُحِبُّونَا فَلَا أَزَالَ وَاقِفًا عَلَى الصَّرَاطِ أَدْعُو وَ أَقُولُ رَبِّ سَلِّمْ شِيعَتِي وَ مُحِبِّي وَ أَنْصَارِي وَ مَنْ تَوَلَّانِي فِي دَارِ الدُّنْيَا فَإِذَا النَّدَاءُ مِنْ بَطْنَانِ الْعَرْشِ قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكَ وَ شَفَعْتَ فِي شِيعَتِكَ وَ يُشَفَّعُ كُلُّ رَجُلٍ مِنْ شِيعَتِي وَ مَنْ تَوَلَّانِي وَ نَصَرَنِي وَ حَارَبَ مَنْ حَارَبَنِي بِفِعْلٍ أَوْ قَوْلٍ فِي سَبْعِينَ أَلْفَ مِنْ جِيرَانِهِ وَ أَقْرَبَائِهِ وَ بَابٌ يَدْخُلُ مِنْهُ سَائِرُ الْمُسْلِمِينَ مِمَّنْ شَهِدَ

أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ لَمْ يَكُنْ فِي قَلْبِهِ مِقْدَارُ ذَرَّةٍ مِنْ بُغْضِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ» (الخصال، ج ۲، ص: ۴۰۸) بهشت هشت در دارد؛ یک در از آن پیغمبران و صدیقان است، یک در از آن شهیدان و صالحان است، و از پنج در شیعیان و صدیقان ما داخل می‌شوند، من پیوسته بر سر صراط ایستاده و درخواست می‌کنم؛ پروردگارا! شیعیان و دوستان و یاران مرا و کسانی که مرا در دنیا به ولایت شناخته‌اند، سالم دار. یک بار آوازی از شکم عرش می‌رسد که درخواست تو پذیرفته شد، شفاعت تو در باره شیعیان قبول شد، هر تن از شیعیان من و کسانی که ولایت مرا پذیرفته و مرا به گفتار یا کردار یاری کرده و با دشمنانم جنگیده‌اند، هفتاد هزار تن از همسایگان و خویشان خود را می‌توانند شفاعت کرد؛ از یک در دیگر مسلمانان دیگری که خدا را به یگانگی شناخته و ذره‌ای دشمنی ما خاندان در دلشان نیست وارد می‌شوند.

راوی از ابی جعفر «علیه السلام» سؤال می‌کند وضع موحدین که اقرار به نبوت حضرت محمد «صلی الله علیه و آله» دارند ولی اهل گناه هستند و امامی ندارند و ولایت را نمی‌شناسند، پس از مرگ چگونه است؟ حضرت فرمودند: «أَمَّا هَؤُلَاءِ فَإِنَّهُمْ فِي حُفْرِهِمْ لَا يَخْرُجُونَ مِنْهَا فَمَنْ كَانَ لَهُ عَمَلٌ صَالِحٌ وَ لَمْ يَظْهَرْ مِنْهُ عَدَاوَةٌ فَإِنَّهُ يُخَذُّ لَهُ خِذَاً إِلَى الْجَنَّةِ الَّتِي خَلَقَهَا اللَّهُ بِالْمَغْرِبِ فَيَدْخُلُ عَلَيْهِ الرُّوحُ فِي حُفْرَتِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ حَتَّى يَلْقَى اللَّهَ فَيُحَاسِبُهُ بِحَسَنَاتِهِ وَ سَيِّئَاتِهِ فِيمَا إِلَى الْجَنَّةِ وَ إِمَّا إِلَى النَّارِ فَهَؤُلَاءِ الْمَوْفُوفُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ» (بحار الأنوار، ج ۶۹، ص: ۱۵۸). امام «علیه السلام» فرمودند: آن‌ها در قبرهای خود خواهند ماند و از آن‌جا بیرون نخواهند گردید، هر کدام از آن‌ها که کارهای نیک انجام داده باشند و عداوت و عنادی از آن‌ها ظاهر نشده باشد از قبر او راهی به طرف بهشتی که خداوند در مغرب آفریده است باز می‌گردد و تا قیامت روح و بشارت به قبر او می‌رسد، تا روز قیامت برپا شود، در آن هنگام در پیشگاه عدل خداوندی حاضر می‌گردد و به حساب کار او می‌رسند و خوبی‌ها و بدی‌های او را در نظر می‌گیرند، در این‌جا یا به طرف بهشت می‌روند و یا به طرف دوزخ رهسپار می‌شوند، وضع این‌ها بستگی به امر خداوند دارد.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته